

بررسی میزان انطباق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان کنگان

منیژه رحیمی^۱

^۱ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان انطباق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان کنگان انجام گرفته است. این پژوهش از نظر روش تحقیق توصیفی است که از نوع پیمایشی می باشد و از نظر هدف کاربردی است. داده‌ها با استفاده از آمارهای توصیفی مانند جداول و نمودارهای مربوط، شاخص‌های گرایش مرکزی (میانگین) و شاخص‌های گرایش پراکندگی (واریانس، انحراف معیار) هر یک از ابعاد آن و در سطح آمار استنباطی هر یک از فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون تی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل کلیه سازمان‌ها و شرکت‌ها (صنایع کوچک، متوسط و بزرگ شهرستان مطابق اطلاعات ثبت شده در اداره صنایع، وزارت صنایع و معادن، معاونت توسعه صنعتی، دفتر آمار و اطلاع رسانی) که ۲۲۰ شرکت برآورد شد و مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان کنگان، در بخش صنعت می باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نیازهای آموزشی، بخش صنایع، شهرستان کنگان

مقدمه و بیان مسئله

امروزه، آموزشهای فنی و حرفه ای و پژوهش های ناظر بر این آموزش ها یکی از محورهای اساسی در توسعه همه جانبه، به ویژه تحقق سیاست های کلان اشتغال زایی در کشور ما محسوب می شوند (نفیسی، ۱۳۹۰). با پیشرفت صنعت و فن آوری، بهره برداری از نیروی انسانی ماهر و کارآموده از جمله مؤلفه هایی بود که مورد توجه و مطالعه عمیق صنعتگران و متخصصان نظام آموزشی در سراسر جهان قرار گرفت. در گذشته مسئولیت مهارت آموزی نسل جوان بر عهده بزرگان و اصناف بود. این مسئولیت با گسترش صنایع ماشینی و نیاز مردم به آموزش و بازآموزی جویندگان کار فاقد مهارت و شغل به بخش های تولیدی، تجاری و کشاورزی بر عهده نظام آموزش فنی و حرفه ای گذارده شد. نقشی که آموزش فنی و حرفه ای در تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جوامع و در راستای تحولات سریع در صحنه علوم و فن آوری به ظهور رسانید، موجب توجه بیش از پیش کشورهای جهان به موضوع آموزش های فنی و حرفه ای شد (صابری، ۱۳۹۱).

لذا با توجه به اهمیت آموزش های فنی و حرفه ای و هدفی که این سازمان برعهده دارد، یکی از هدف های اصلی نظام آموزش فنی و حرفه ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت های کسب شده در جریان آموزش به طور موفقیت آمیزی در محیط کار بهره برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به عبارت دیگر، افزایش کیفیت آموزش های فنی و حرفه ای موجب بالارفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیاز سنجی) و کارایی و انعطاف پذیری نظام آموزشی است. از این رو از جمله موانع عمده بر سر راه اجرای نظام جدید آموزشی و تحقق اهداف آن، نبود زمینه ها و شرایط لازم برای تحقق این ویژگی هاست.

با پیشرفت صنعت و فن آوری، بهره برداری از نیروی انسانی ماهر و کارآموده از جمله مؤلفه هایی بود که مورد توجه و مطالعه عمیق صنعتگران و متخصصان نظام آموزشی در سراسر جهان قرار گرفت. در گذشته مسئولیت مهارت آموزی نسل جوان بر عهده بازرگانان و اصناف بود. این مسئولیت با گسترش صنایع ماشینی و نیاز مردم به آموزش و بازآموزی جویندگان کار فاقد مهارت و شغل به بخش های تولیدی، تجاری و کشاورزی بر عهده نظام آموزش فنی و حرفه ای گذارده شد. نقشی که آموزش فنی و حرفه ای در تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جوامع و در راستای تحولات سریع در صحنه علوم و فن آوری به ظهور رسانید، موجب توجه بیش از پیش کشورهای جهان به موضوع آموزش های فنی و حرفه ای شد (صابری، ۱۳۹۰).

لذا با توجه به اهمیت آموزش های فنی و حرفه ای و هدفی که این سازمان برعهده دارد، یکی از هدف های اصلی نظام آموزش فنی و حرفه ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت های کسب شده در جریان آموزش به طور موفقیت آمیزی در محیط کار بهره برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به عبارت دیگر، افزایش کیفیت آموزش های فنی و حرفه ای موجب بالارفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیاز سنجی) و کارایی و انعطاف پذیری نظام آموزشی است. از این رو از جمله موانع عمده بر سر راه اجرای نظام جدید آموزشی و تحقق اهداف آن، نبود زمینه ها و شرایط لازم برای تحقق این ویژگی هاست. (مهر عالی زده، ۱۳۹۱)

در حال حاضر آموزش های فنی و حرفه ای در ایران به سه صورت در حال اجرا است، آموزش های فنی و حرفه ای دانش بنیاد که عمدتاً توسط وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فناوری (دانشگاه علمی و کاربردی) و به صورت پراکنده اما زیر پوشش دانشگاه علمی و کاربردی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت جهاد و کشاورزی ارائه می شود. آموزش

های فنی و حرفه ای مهارت بنیاد که عمده‌تاً توسط و با نظارت سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور در مراکز ثابت آموزشی، آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه ای، مراکز آموزش صنعت ارائه می گردد و آموزش های فنی و حرفه ای سازمان نیافته که عمده‌تاً به صورت استاد شاگردی و پراکنده در حوزه های وسیع شغلی در جریان است و دانش آموختگان این نوع آموزش ها، مدرک و گواهینامه خاصی را دریافت نمی کنند. اما می توانند با کسب مجوز از مقامات ذیصلاح به کار اشتغال ورزند. (آزاد، ۱۳۸۶)

مطابق با قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، فصل دوم - علم و فناوری ماده ۲۱ دولت مکلف است به منظور گسترش شایستگی حرفه‌ای از طریق افزایش دانش و مهارت با نگرش به انجام کار واقعی در محیط، اصلاح هرم تحصیلی نیروی کار و ارتقاء و توانمندسازی سرمایه های انسانی، کاهش فاصله سطح شایستگی نیروی کار کشور با سطح استاندارد جهانی و ایجاد فرصتهای جدید شغلی و حرفه‌ای برای جوانان و ارتقاء جایگاه آموزش های فنی و حرفه‌ای برای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و علمی-کاربردی کشور اعم از رسمی، غیررسمی و سازمان نیافته، ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای کشور را فراهم سازد اما علیرغم اهمیت و تأکید برنامه های مختلف توسعه کشور در خصوص آموزش های فنی و حرفه ای به ویژه در بخش صنعت هنوز این حوزه از آموزش ها با مسائل و مشکلات فزایندهای روبه رو می باشد از مهمترین مشکلات آموزش های فنی - و حرفه ای در کشور و استان بوشهر مسأله انطباق آموزش ها با نیازهای استان، شهرستان و صنایع موجود است. بخشی از این عدم انطباق ناشی از فرآیندهای پیچیده نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزیابی آموزش های فنی و حرفه ای بوده است. لذا مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که میزان انطباق آموزشهای فنی و حرفه ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان کنگان چگونه می باشد؟

پیشینه تحقیق

حسینی (۱۳۹۳) در پژوهشی به نیازسنجی آموزش های مهارتی اداره ی کل آموزش فنی و حرفه ای استان آذربایجان غربی در حوزه ی صنعت پرداخت. یافته ها حاکی از آن بودند که ۱. کارفرمایان وضعیت مطلوب شاخص های ارزیابی را به طور معنی داری بالاتر از وضعیت موجود ارزیابی نمودند. ۲. از نظر مربیان و کارآموزان اختلاف معنی داری بین میانگین وضع موجود و مطلوب شاخص ارزیابی وجود داشت.

آیتی و فتحی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط برنامه ی درسی (مهارت های عمومی) آموزش های فنی و حرفه ای با نیازهای بازار کار شهر بیرجند" حاکی از آن است که برنامه ی درسی (مهارت های عمومی) آموزش های فنی و حرفه ای در اکثر موارد با نیازهای بازار کار کاملاً و یا تا حد زیادی منطبق است و در مواردی عدم انطباق دیده می شود. فامیان (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "بررسی میزان هم سوئی آموزشهای فنی و حرفه ای با نیازهای بازار کار" نشان داد که آموزش های فنی و حرفه ای متناسب با نیازهای بازار کار طرح ریزی شده است و بین آموزش های فنی و حرفه ای و نیازهای بازار کار همسویی و تناسب وجود دارد.

بوتانگ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان ضرورت انطباق نیازهای آموزشی با بازار کار به این نتیجه رسیدند که باید بین نیازهای آموزشی کارکنان در بخش صنعت با آموزش های فنی و حرفه ای انطباق به وجود بیاید. همانطور که در مورد تمام برنامه ها ایجاد مشارکت قوی با صنعت امری ضروری می باشد.

موزاکیتیس (۲۰۱۰) در پژوهشی به این نتیجه رسید که ارتباط مداومی بین طراحی برنامه ها و دوره های آموزشی فنی و حرفه ای مؤثر و ورود به بازار کار وجود دارد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

- تعیین میزان انطباق آموزش های فنی و حرفه ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان کنگان

اهداف فرعی

- تعیین رابطه ی دانش فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای و اشتغال در صنایع
- تعیین رابطه ی مهارت فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای و اشتغال در صنایع
- بررسی رابطه مهارت فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای بر انطباق دانش و مهارت تخصصی با نیازهای بازار کار در بخش صنایع

سوالات تحقیق

- از نظر مدیران صنایع ، فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای ، تا چه اندازه از دانش کافی جهت اشتغال در مراکز صنعتی مرتبط، برخوردار هستند؟
- از نظر مدیران صنایع ، فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای ، تا چه اندازه از مهارت جهت اشتغال در مراکز صنعتی مرتبط برخوردار هستند؟
- از نظر مدیران صنایع ، مهارت داشتن فارغ التحصیلان هنرستانهای فنی و حرفه ای رسمی تا چه اندازه می تواند به انطباق بیشتر دانش و مهارت تخصصی آنها با نیازهای بازار کار، تأثیر داشته باشد؟

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر جمع آوری اطلاعات، توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه سازمان ها و شرکت ها(صنایع کوچک، متوسط و بزرگ شهرستان مطابق اطلاعات ثبت شده در اداره صنایع، وزارت صنایع و معادن، معاونت توسعه صنعتی، دفتر آمار و اطلاع رسانی) که ۲۲۰ شرکت برآورد شد و مرکز فنی و حرفه ای شهرستان کنگان.

ابزارهای اندازه گیری

• بررسی اسناد و مدارک موجود در صنایع شهرستان، مطابق با اطلاعات ثبت شده در اداره صنایع استان، وزارت صنایع و معادن، معاونت توسعه صنعتی، دفتر آمار و اطلاع رسانی و سند توسعه استانی و نیز اطلاعات موجود در مرکز فنی و حرفه ای شهرستان کنگان به منظور شناسایی نیازهای آموزشی بخش صنعت.

• پرسشنامه: این ابزار شامل سه بخش دوره های عمومی، دوره های مدیریتی و دوره های تخصصی است. بخش تخصصی متناسب با فعالیت هر شرکت طراحی خواهد شد. لازم به ذکر است که سؤالات پرسشنامه مجموعه ای از دوره های آموزشی مستقل را در بر می گیرد که به لحاظ نظری، انتظار می رود بین آنها همبستگی وجود داشته باشد.

روش تجزیه و تحلیل

داده های جمع آوری شده با استفاده از آمار توصیفی نظیر (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد) و در سطح آمار استنباطی (تی تک نمونه ای، همبستگی پیرسون و ...) و توسط نرم افزار **spss** نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها

▪ توزیع فراوانی نمونه ها بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی

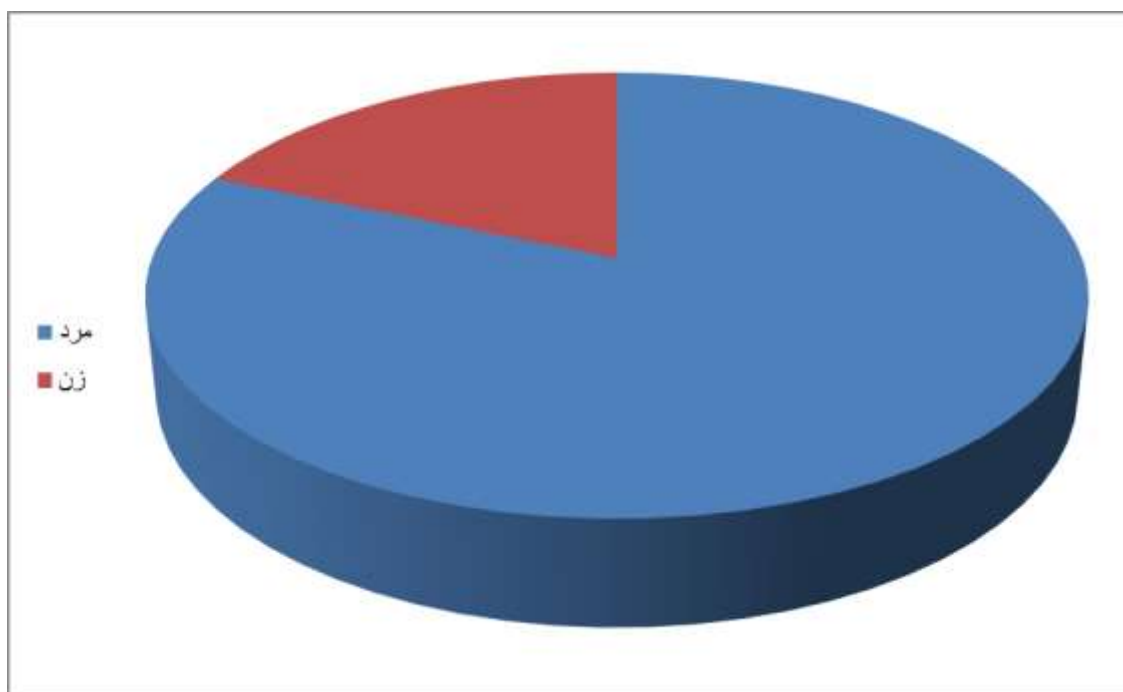
به منظور ارائه دیدگاهی مناسب در مورد ویژگی های افراد مورد مطالعه، در این قسمت توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب برخی متغیرهای اساسی ارائه گردیده است. همچنین به منظور مقایسه بهتر چگونگی توزیع افراد مورد مطالعه، علاوه بر بیان تعداد افراد بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی، این ارقام به صورت درصدی نیز بیان شده است.

▪ توزیع فراوانی نمونه ها بر حسب جنسیت

در جدول ۱-۱، نسبت پاسخ دهندگان مرد و زن ارائه شده است. ۸۱ درصد از افراد نمونه (۱۷۹ نفر) را مردان تشکیل داده اند. همچنین حدود ۱۹ درصد از پاسخ دهندگان یعنی ۴۱ نفر از آن ها زن بودند. این داده ها در نمودار دایره ای ۱-۴ نیز نشان داده شده اند.

جدول ۱-۱ فراوانی نمونه ها بر حسب جنسیت

جنسیت	مرد	زن	مجموع
تعداد	۱۷۹	۴۱	۲۲۰
درصد	۸۱	۱۹	۱۰۰



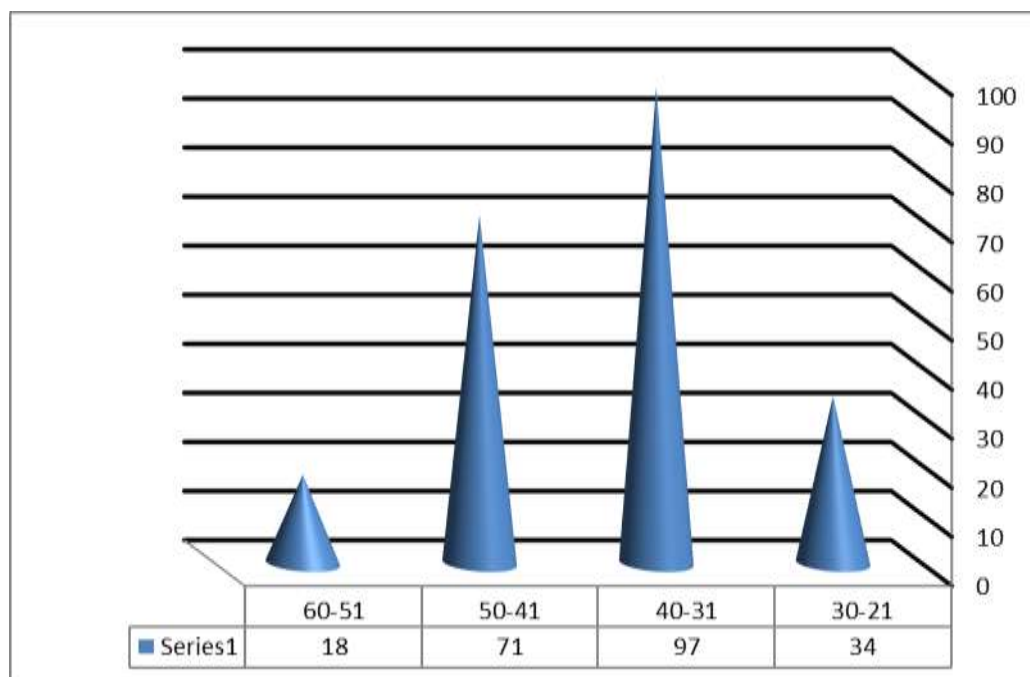
نمودار ۱-۱ وضعیت جنسی نمونه‌ها

▪ توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب سن

جدول و نمودار ۱-۲، ویژگی نمونه آماری بر حسب سن را نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۴-۲، مشخص می‌شود که ۳۴ نفر از نمونه آماری این پژوهش را افراد بین ۳۰-۳۱ سال (۱۵ درصد) ۹۷ نفر (۴۴ درصد) از نمونه آماری را نیز افراد ۳۱-۴۰ سال تشکیل می‌دهند، ۷۱ نفر (۳۲ درصد) از نمونه آماری را نیز افراد ۴۱-۵۰ سال تشکیل می‌دهند و بقیه افراد نمونه نیز یعنی معادل ۱۸ نفر و ۹ درصد از آن‌ها سن بین ۵۱-۶۰ سال داشته‌اند.

جدول ۱-۲ درصد و فراوانی نمونه‌ها بر حسب سن

سن	۳۰-۳۱	۴۰-۳۱	۵۰-۴۱	۶۰-۵۱	مجموع
تعداد	۳۴	۹۷	۷۱	۱۸	۲۲۰
درصد	۱۵	۴۴	۳۲	۹	۱۰۰



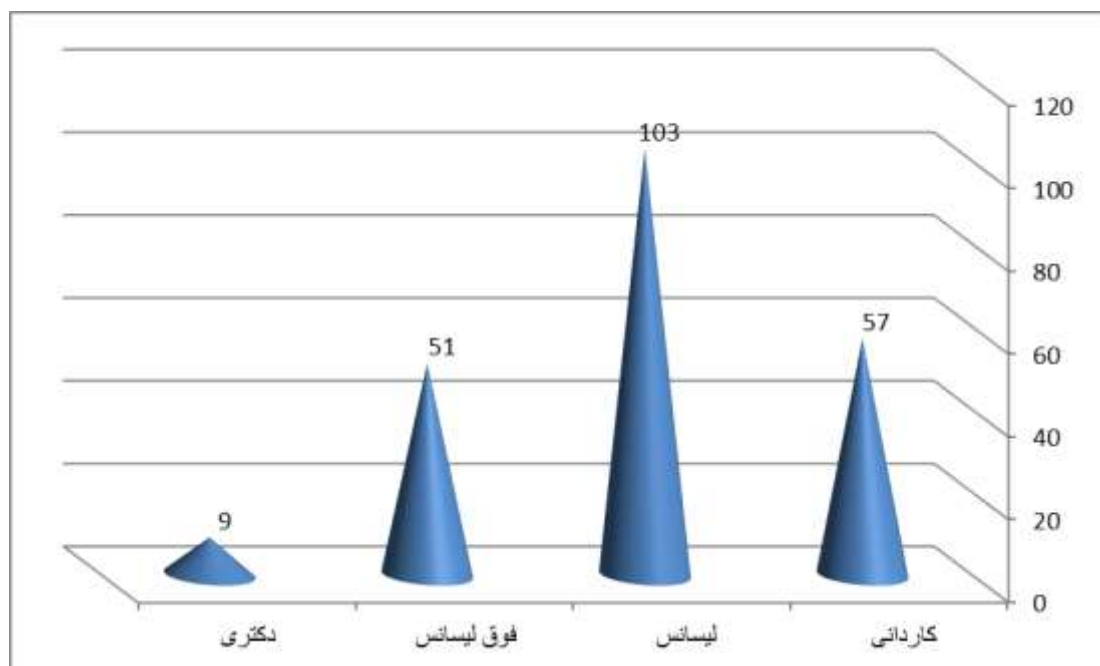
نمودار ۱-۲ وضعیت سنی نمونه‌ها

توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب میزان تحصیلات

توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب میزان تحصیلات در جدول ۱-۳، نشان داد که ۲۶ درصد از افراد (۵۷ نفر)، دارای مدرک تحصیلی کاردانی و (۱۰۳ نفر) معادل ۴۷ درصد از افراد نمونه دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. ۵۱ نفر (۲۳ درصد) لیسانس ۹ نفر هم دکتری بوده‌اند. این تعداد افراد در نمودار ۳-۴، به صورت عینی قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۱-۳ فراوانی نمونه‌ها بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات	کاردانی	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	مجموع
تعداد	۵۷	۱۰۳	۵۱	۹	۲۲۰
درصد	۲۶	۴۷	۲۳	۴	۱۰۰



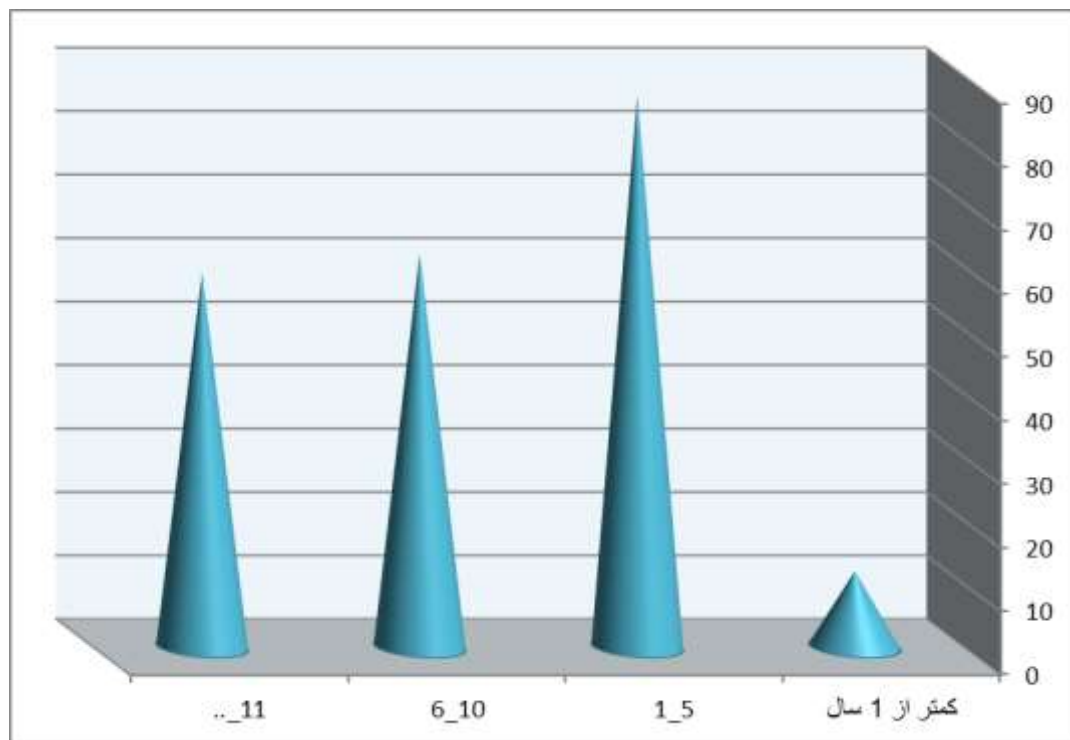
نمودار ۳-۱ فراوانی نمونه‌ها بر حسب میزان تحصیلات

توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب میزان سابقه خدمت

توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب سابقه خدمت در جدول ۴-۱، نشان داد که ۵ درصد از افراد (۱۲ نفر)، دارای سابقه خدمت بین کمتر از ۱ سال بودند، ۸۷ نفر معادل ۴۰ درصد از اعضای نمونه بین ۱-۵ سال سابقه خدمت داشتند، ۶۲ نفر (۲۸ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال و ۵۹ نفر هم بیشتر از ۱۱ سال (۲۶ درصد) سابقه خدمت داشتند. این تعداد افراد در نمودار ۴-۱، به صورت عینی قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۴-۱ فراوانی نمونه‌ها بر حسب سابقه خدمت

سابقه	کمتر از ۱ سال	۱_۵	۶_۱۰	۱۱_...	مجموع
تعداد	۱۲	۸۷	۶۲	۵۹	۲۲۰
درصد	۵	۴۰	۲۸	۲۶	۱۰۰



نمودار ۱-۴ فراوانی نمونه‌ها بر حسب سابقه خدمت

برای جوابگویی به سوال دوم می بایست آزمون T تک نمونه ای را برای **Factor2** که متشکل از ۸ سؤال است (سؤالهای ۱۱ تا ۱۸ پرسشنامه) انجام می دهیم.

از آنجایی که نمره تعلق گرفته به گزینه کم در نمره دهی ۳ می باشد، لذا میانگین آن تعداد سؤال ضربدر ۳ خواهد شد، یعنی داریم $۸ \times ۳ = ۲۴$ ، سپس میانگین آزمودنی ها در **factor2** را که $۲۷/۷۱$ و انحراف استاندارد $۳/۰۸$ می باشد با ۲۴ مقایسه می کنیم و با ۹۵ درصد اطمینان اختلاف معنی داری بدست می آید. یعنی مدیران صنایع دانش فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای را بیش از کم می دانند، از طرفی نمره تعلق گرفته به گزینه زیاد ۴ می باشد و داریم $۸ \times ۴ = ۳۲$ ، لذا بار دیگر آزمون T تک نمونه ای را برای عدد ۳۲ اجرا می کنیم، که با ۹۵٪ اطمینان معنی دار به دست می آید.

برای جوابگویی به سؤال سوم می بایست آزمون T تک نمونه ای را برای فاکتور ۳ که متشکل از ۱۰ سؤال است. (سؤال های ۱۹ تا ۲۸ پرسشنامه) انجام دهیم. از آنجایی که نمره تعلق گرفته به گزینه کم در نمره دهی ۳ می باشد، لذا میانگین آن تعداد سؤال ضربدر ۳ خواهد شد، یعنی داریم $۳ \times ۱۰ = ۳۰$ پس میانگین آزمودنی ها در فاکتور ۳ را که $۳۷/۰۱$ و انحراف استاندارد $۴/۰۴۱$ می باشد با ۳۰ مقایسه می کنیم و با ۹۵ درصد اطمینان اختلاف معنی داری بدست می آید. از طرفی نمره تعلق گرفته به گزینه زیاد ۴ است و داریم $۴ \times ۱۰ = ۴۰$ ، لذا بار دیگر آزمون T تک نمونه ای را برای عدد ۴۰ اجرا می کنیم که با ۹۴ درصد اطمینان معنی دار به دست می آید. یعنی مدیران صنایع مهارت فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای رسمی را کمتر از زیاد می دانند. در مجموع نتیجه می گیریم که مدیران صنایع مهارت فارغ التحصیلان را در حد متوسط می دانند.

آزمون تک نمونه ای را برای فاکتور ۷ که متشکل از ۵ سؤال است (سؤالات ۴۷ الی ۵۱) انجام داده ایم. از آنجایی که نمره تعلق گرفته به گزینه زیاد در نمره دهی ۴ می باشد. لذا میانگین آن تعداد سؤالات ضربدر ۴ خواهد شد، یعنی داریم $۴ \times ۵ = ۲۰$ سپس میانگین آزمودنی ها در فاکتور ۷ را که $۲۱/۸۱$ و انحراف استاندارد $۰/۲۴۱$ است مقایسه می کنیم و با ۹۵ درصد

اطمینان اختلاف معنی داری به دست می آید. یعنی مدیران صنایع مهارت داشتن در ICT را برای فارغ التحصیلان بیشتر از زیاد می دانند. از طرفی نمره تعلق گرفته به گزینه خیلی زیاد ۵ است و داریم $5 \times 5 = 25$.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه آموزش کارورزان هنرستانهای فنی و حرفه ای، به طور کلی در دو قسمت آموزش های نظری و آموزش های مهارتی صورت می گیرد، بنابراین طبق تحقیقی که صورت گرفته است، دانش فارغ التحصیلان که بیشتر مربوط به امور تئوریک این رشته است، در حد متوسط می باشد.

نتایج تحقیقاتی که نتیجه مورد بحث را مورد تأیید قرار می دهند شامل:

خانم نازنین ملاح (۱۳۸۰-۸۱) در تحقیق خود نشان می دهد که:

- آموزشهای هنرستانهای حرفه ای دولتی دخترانه استان گلستان از نظر میزان هماهنگی آموزشهای هنرستانی با نیازها و شرایط واقعی محیط کار در وضعیت متوسط تا نسبتاً خوب قرار دارند.
- آموزشها از نظر تأثیر در جذب بازار کار شدن فارغ التحصیلان و هماهنگی رشته تحصیلی با شغل فارغ التحصیلان دارای شرایط خوبی می باشند.
- فارغ التحصیلان در انجام وظایف شغلی در بدو شروع به کار دارای توانائی نسبتاً خوب یا متوسطی می باشند.
- رحیمیان (۱۳۷۵) در مطالعه ای پیرامون موانع جذب فارغ التحصیلان آموزشهای فنی و حرفه ای دیپلم و بالاتر گزارش می کند که فقدان زمینه های کافی برای اشتغال فارغ التحصیلان و ضعف بازار کار در جذب آنان به دلیل تراکم نیروی انسانی در بازار کار و عدم ایجاد فرصتهای شغلی جدید که هم مسأله متناسب با میزان فارغ التحصیلان فنی باید اضافه شود، یکی از موانع اساسی جذب فارغ التحصیلان می باشد که غالباً به اشتباه، این معضل را به ناکارآمدی دروس و آموزشهای فنی آنها تبیین می نمایند. آنچه که قابل تأمل است این است که، اگرچه سطح دانش فارغ التحصیلان در حد متوسطی می باشد، اما شایان ذکر است که حد متوسط با ایده آنها و آنچه که لازمه توسعه صنعتی مورد نظر سیاستگذاران می باشد، نیست. پس با توجه به این امر، ضرورت اصلاح و بازنگری برنامه درسی مدارس فنی و حرفه ای مطرح می گردد. که به عنوان عاملی پراهمیت در بهبود اهداف، ساختار و روشهای برنامه ریزی درسی، مد نظر قرار می گیرد. در زیر به ارائه تحقیقات و پیشنهاداتی که در این مورد در کشورهای دیگر صورت گرفته است می پردازیم، و سپس پیشنهاداتی را جهت اصلاح برنامه درسی ارائه می نمائیم.
- تحقیق در کانادا، راجع به مهارتهای اساسی مورد نیاز بازار کار از دیدگاه کارفرمایان، لروکس و لافیر (۱۹۹۵) مهارتهایی که به افزایش شانس اشتغال افراد کمک می کند را در سه گروه ذیل دسته بندی کرده اند:
- ۱- مهارتهای علمی، شامل مهارتهای ارتباطی، تفکر انتقادی، توانائی حل مسئله، تشخیص اهمیت نیاز به یادگیری برای زندگی.
- ۲- مهارتهای مدیریت شخصی شامل توانایی تعیین اهداف، اقدام مسئولانه، اعتماد به نفس، پیش قدمی در امور و دارا بودن دیدگاههای قابل پذیرش.
- ۳- مهارتهای کار تیمی شامل توانائی کار با دیگران، احترام قایل شدن نسبت به دیگران و توانائی رهبری و هدایت دیگران.

پژوهشگران در یک پروژه تحقیقی در بریتانیا که در صدد تعیین جایگاه آموزش عمومی از دیدگاه کارفرمایان مراکز صنعتی و تجارتي بودند، به این نتیجه رسیدند که، نظام تعلیم و تربیت باید نسبت به الف) گسترش و توسعه دید دانش آموزان ب) بهبود نقش و مهارت آنان در ارتباط و ج) افزایش دانش عمومی آنان به عنوان یک بستر اساسی در این آموزشها اهتمام می نمایند.

مطالعه ای دیگر در آمریکا نشان می دهد که کارفرمایان در جستوی نیروهایی هستند که می دانند چگونه یاد بگیرند، در حل مسایل توانا باشند، بطور خلاق فکر می کنند، اعتماد به نفس بالایی دارند، اهداف خود را تعیین می کنند، در رشد شخصی و شغلی خود کوشا می باشند و در روابط اجتماعی و مذاکره در گروه تسلط داشته و در جهت اثربخشی سازمان و رهبری آن به سوی اهداف مورد نظر تلاش می کنند.

بنابراین با توجه به مطالعات و تحقیقات به عمل آمده و نگاه نوین به رویکردهای جدید برنامه درسی اصلاح و پیشرفت برنامه درسی آموزشهای فنی و حرفه ای در رابطه با این دو گرایش مورد بررسی (الکترونیک و الکتروتکنیک) پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

۱- توانایی دانش آموزان را در خواندن و درک مطلب، مهارتهای ارتباط نوشتاری و گفتاری، مهارتهای ریاضی کاربردی، روشهای تفکر و حل مسئله و پردازش اطلاعات افزایش دهند.

۲- فرصتهای بیشتری را برای دانش آموزان ایجاد نمایند تا در تیمهای کاری مختلف فعالیت نمایند، مسائل را حل کنند، با تغییرات سازگار گردند، توانائی رهبری خویش را آشکار سازند و برای یادگیری خود مسئولیت بپذیرند.

۳- در کلاسهای درس تمرکز بر معلم و کتاب درسی را به حداقل برسانند.

۴- بر آموزش زبانهای خارجی اهتمام نمایند.

سؤالهای سوم و چهارم تحقیق:

تحقیق که نتیجه مورد بحث را مورد تأیید قرار می دهد شامل:

مهری نوحی (۱۳۷۵)، در تحقیق خود، اشتغال فارغ التحصیلان دختر آموزشده های فنی و حرفه ای را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده است که اکثر فارغ التحصیلان دختر در رشته تخصصی خود جذب بازار کار شده اند و همچنین اکثر مدیران کارخانجات میزان مهارت فارغ التحصیلان را در سطح قابل قبولی دانسته اند.

جهت افزایش سطح مهارت فارغ التحصیلان در این زمینه، افزایش سرمایه گذاری هم از لحاظ تجهیزات و منابع کالبدی و هم از لحاظ نیروی انسانی کارآزموده تر در این بخش از طرف مسؤولان و سیاستگذاران امری ضروری و با اهمیت است.

پر واضح است که هر روز تجهیزات و ابزارهای مورد استفاده در کارخانه ها، پیشرفته تر و پیچیده تر خواهد شد که استفاده کردن از آنها مستلزم دانش و مهارت ویژه می باشد. بنابراین جهت همراهی کردن هنرستانهای فنی با این پیشرفتها، لازم است که کارگاههای این هنرستانها هم مجهز به دستگاه ها و ابزار آلات پیشرفته باشند تا بتوانند همگام و در جهت نیازمندیهای بازار کار گام بردارند. که این امر مستلزم سرمایه گذاری بیشتر در این بخش می باشد. از طرف دیگر افزایش سطح مهارت فارغ التحصیلان هنرستانها مستلزم استفاده از مربیان آموزشی کارآمد و مجربی است که دانش و مهارت آنها در سطح نسبتاً بالائی بوده و همچنین دانش و مهارت آنها (مربیان آموزشی) با پیشرفتهای فناوری همگام و به روز باشد، جهت تحقق این امر، اهتمام و توجه بیشتر به برنامه های آموزشی این مربیان که در مراکز و مؤسسات آموزش عالی تحصیل می کنند، امری ضروری بوده و از طرف دیگر استفاده از دوره های آموزش ضمن خدمتی که بتواند نوآوری ها و پیشرفتهای حاصله را در بخشهای تخصصی مربوطه، به این مربیان انتقال دهد امری لازم و ضروری است.

در کنار توسعه و تغییر ماهیت اقتصاد جوامع به «اقتصاد اطلاعات محور» و تلاش برای ارائه یک الگوی اداری بهتر و کارآمدتر که بر پتانسیل بکارگیری از تکنولوژی برتر مبتنی است، توسعه شبکه های ملی کامپیوتری و انجام امور اداری یاز طریق ارتباطات الکترونیکی، ضرورت تسلط و کارآمدی افراد در سواد کامپیوتری را بعنوان یک نیاز اساسی نیروی کار آینده مطرح می کند.

بهره گیری سریع از تکنولوژی و ضرورت مشارکت فعال در محیط های کاری که در آن تغییر بصورت یک نورم درآمده است توجه صاحب نظران آموزش و پرورش را به مهارتهای اساسی مورد نیاز جلب نموده است. توانایی استفاده از تکنولوژی اطلاعات و بهره گیری مؤثرتر از اطلاعات به یکی از مهارتهای مشترک مورد نیاز نیروی انسانی مورد نظر بازار کار تبدیل شده است. در واقع وجود کارگرانی با آگاهی و دانش بالا دیگر یک خیال دور از دسترس نیست. زمینه های شغلی سنتی محو شده اند طوریکه اکنون کارفرمایان و مدیران صنایع و کارخانجات به شدت بدنبال جذب نیروهای انعطاف پذیری هستند که با قابلیت های فردی برجسته می توانند نقش های متعددی را در زمانهای مختلف ایفا نمایند و قادرند مهارتها و فرایندهای جدید را فرا گیرند.

پیشنهادهای

- ارتباط آموزش های فنی و حرفه ای را با نیازهای بازار کار از دیدگاه مدیران هنرستانها و مربیان آنها بررسی نمایند.
- ارتباط آموزش های فنی و حرفه ای را با نیازهای بازار کار از دیدگاه فارغ التحصیلان هنرستانها، بررسی نمایند.
- در استفاده از ابزارهای جمع آوری داده ها به پرسشنامه بسنده نکرده، خصوصاً از مصاحبه های آزاد استفاده شود.
- توصیه می شود چنانچه پژوهشگران مایل به ارایه یافته های ارزشمند باشند به جای استفاده از شیوه های مطالعات عرضی و مقطعی از شیوه های طولی استفاده نمایند.

منابع فارسی

- حکیمی، محسن، (۱۳۷۴)، مدیریت آموزش فنی و حرفه ای. انتشارات یونسکو در ایران.
- دلاور، علی، (۱۳۸۰)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ اول از ویرایش جدید، انتشارات رشد
- دلاور، علی، (۱۳۷۵)، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، چاپ دوم، نشر ویرایش
- دلاور، علی، احتمالات و آمار کاربردی در روان شناسی و علوم تربیتی، چاپ پنجم، انتشارات رشد (۱۳۸۰)
- سیف، علی اکبر، (۱۳۷۰)، روان شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه.
- ----، (۱۳۷۸)، روش های اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، چاپ سوم، انتشارات آگاه.
- سبحان الهی، محمدعلی، (۱۳۸۱)، فصلنامه علمی تخصصی مدیریت و توسعه، شماره ۱۵. زمستان ۱۳۸۱
- سلطانی، حسین، (۱۳۷۹)، بررسی ارتباط برنامه درسی آموزشهای فنی و حرفه ای رسمی با نیازهای بازار کار در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- عزیزی، نعمت الله، (۱۳۸۱)، ارتباط آموزش و توسعه اقتصادی، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۵۵ و ۵۶.
- علاقه بند، علی، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارات بعثت.

- فیوضات، یحیی، (۱۳۸۰)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، نشر ویرایش.
- لاهیجانیان، الرم الملوک، (۱۳۷۰)، بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان رشته الکترونیک آموزشکده های فنی، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.
- میکائیل پور، حسین، (۱۳۷۹)، بررسی و تخمین کارایی و بهره وری سیستم آموزش و پرورش در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد.
- محسن پور، بهرام، (۱۳۷۹)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، انتشارات سمت.
- نفیسی، عبدالحسین، (۱۳۷۹) بررسی نارسائی های ارتباط نظام های آموزش و پرورش و بازار کار و ارائه راه حل های اصلاحی. تهران، انتشارات مدرسه

منابع غیرفارسی

- Hughes, M. C. (2010). Industry Involvement in the Vocational Education and Training system. International Encyclopedia of Education (Third Edition), p. ۴۵۵۴۶۲.
- Hwangjeng, j. (2002). Curriculum standard of vocational and technical educational in taiwan, R, O, C. International Journal of Educational Development, Vol, 30, Issue 4, July 2010, P,438-446.
- Kagaari, J. (2007). Evaluation of the effects of vocational choice and practical training on students' employability. Source: Wol, 31.
- Kahak, F. (1998). A study of the compatibility of Technical and Vocational Educational requirements Semnan Province and technical and professional manpower needs assessment in the next seven years, Research Project, Semnan Province Office of Education (in Persian).
- Keshtiaray, N, Yusefi, A & Mosavi, S. (2012). A study of the match industrial sector needs with vocational educational of schools for boys and girls (case study, Felaverjan city), jornal of New Approach in Educational Management, vol.3, No, 2; p, 119-138 (in Persian).
- Larijani, A (2010). Fifth Five-Year of country Development Plan, P, 21 (in Persian).
- Marquardt, N.; Robelski, S. & Hoeger, R. (2010). Human Factors: The Journal of the Human Factors and Ergonomics Society.p., 52-308.
- Mehrali Zadeh, Y. (2004). Globalization and educational systems with emphasis on the country of Iran: rasesh (in Persian).
- Mehrali Zadeh, Y. (2007). assessment skills of knowledge in the Field of labor and industry and conformity with the present situation in the Third-Five Year of country development plan in Khuzestan province, Khuzestan Institute of Education of research project (in Persian).

Assessing the compliance of technical and vocational education with the educational needs of the industrial sector in Kangan city

Manijeh Rahimi: Master of Educational Management, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Abstract

The aim of this study was to investigate the compliance of technical and vocational education with the educational needs of the industrial sector in Kangan city. This research is descriptive in terms of research method, which is a survey type and is applied in terms of purpose. Data using descriptive statistics such as related tables and graphs, central tendency indices (mean) and dispersion tendency indices (variance, standard deviation) of each of its dimensions and at the level of inferential statistics of each research hypothesis using t-test Was investigated. The statistical population includes all organizations and companies (small, medium and large industries of the city according to the information registered in the Department of Industries, Ministry of Industries and Mines, Deputy of Industrial Development, Bureau of Statistics and Information) which was estimated 220 companies and Technical and Vocational Center O Kangan city, it is in the industrial sector.

Keywords: education, technical and vocational training, educational needs, industry department, Kangan city